

اقتصاد سبز و مشاغل سبز

اقتصاد سبز (Green Economy)

مقدمه

بعد از کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲؛ توسعه پایدار، به یکی از اهداف اصلی جوامع بین المللی تبدیل و خطوط کلی آن در بیانیه ریو و دستور کار ۲۱ ترسیم شد. با وجود تلاشهای بسیار از سوی دولتهای سراسر جهان برای اجرای راهبردهای آن و انجام مشارکت های جوامع بین المللی برای حمایت از دولتهای ملی؛ هنوز نگرانیهای بسیاری از تحولات جهانی محیط زیستی و اقتصادی در تعداد زیادی از کشورها وجود دارد. این نگرانیها اخیراً با بحرانهای مالی، غذایی و انرژی تشدید شده است و دانشمندان مکرراً برای در خطر بودن جامعه بخاطر محدودیتهای زیست بومی هشدار داده اند.

به همین جهت امروزه دولتها به دنبال راههای موثرتری برای هدایت کشورشان به خروج از این بحرانها با احتساب محدودیتهای اکولوژیکی هستند و اقتصاد سبز (در شکلهای متنوع آن) بعنوان ابزاری برای سرعت بخشیدن به شکل گیری سیاست ملی جایگزین و پشتیبانی بین المللی برای توسعه پایدار، پیشنهاد شده است. این مفهوم در چند سال گذشته توجه بسیاری را در بخش بین المللی بعنوان ابزار حل و فصل بحران مالی ۲۰۰۸ و همچنین یکی از دو موضوع اصلی کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد در سال ۲۰۱۲ (ریو+۲۰)، بدست آورده است.

علی رغم تمایل روبه رشد بین المللی نسبت به اقتصاد سبز، مذاکرات میان کشورهای عضو پیرامون مفهوم اقتصاد سبز پیش از ریو+۲۰ به دلایل زیر چالش برانگیز بوده است:

- نبود یک تعریف پذیرفته شده بین المللی یا اصول جهانی فراگیر برای اقتصاد سبز،
- شکل گیری مفاهیم و اصطلاحات مرتبط به هم ولی متفاوت در سالهای اخیر (مانند رشد سبز، توسعه کم کربن، اقتصاد پایدار، اقتصاد حالت پایا و نظائر آن)،

- عدم شفافیت پیرامون اینکه برنامه های سیاست اقتصاد سبز چه مسائلی را در بر می گیرد و چطور با اولویتهای و اهداف ملی مرتبط با رشد اقتصادی و ریشه کنی فقر تلفیق می شود

- نبود تجربه در طراحی و اجرا و بازبینی هزینه ها و فواید سیاستهای اقتصاد سبز
به منظور شفاف سازی مفهوم اقتصاد سبز سازمانهای بین المللی ذینفع اقدام به نشر کتب و مقالاتی از ابعاد مختلف در این حوزه نمودند تا این خلا دانشی را پر نمایند. حداقل هشت تعریف مجزا در انتشارات اخیر به ثبت رسیده است. برای مثال یونپ^۱ اقتصاد سبز را چنین تعریف می نماید: "اقتصادی که منتج به بهبود رفاه بشری و تساوی حقوق اجتماعی گردد، در حالیکه به طور عمده ریسکهای محیط زیستی و کاستیهای اکولوژیکی را کاهش می دهد. این اقتصاد مشتمل بر فراگیری اجتماعی، کارایی منابع و کربن کمتر می باشد" (UNEP, 2011)، در تعریف دیگری ائتلاف اقتصاد سبز (که شامل گروهی از NGO ها و گروههای اتحادیه کارگری و

دیگر افرادی که کار مردمی در حوزه اقتصاد سبز انجام می دهند) اقتصاد سبز را به اختصار "اقتصادی انعطاف پذیر معرفی می نماید که برای همه، کیفیت بهتر زندگی را در شرایط محدودیتهای اکولوژیکی سیاره فراهم می نماید".

همچنین به منظور ملموس سازی اقتصاد سبز در برنامه های ملی کشورها، سازمانهای بین المللی اقدام به طراحی و اجرای راهبردهای اقتصاد سبز ملی در کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و در میان اکثر مناطق جهان از جمله آفریقا، آمریکای لاتین، آسیا و اقیانوسیه و اروپا نمودند و به ارائه برخی دیدگاههای مهم و شفاف و تدوین خط مشی اقتصاد سبز و ریسکها و هزینه های اجرا و مزایای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، پرداختند. این تجربه بین المللی می تواند در کاهش نگرانی ها در مورد یکپارچه سازی سیاست های اقتصاد سبز با اولویت های اقتصادی - اجتماعی ملی و اهداف (از جمله دستیابی به اهداف توسعه مورد توافق بین المللی) موثر باشد.

تاریخچه

واژه اقتصاد سبز در سال ۱۹۸۹ برای اولین بار توسط گروهی از اقتصاد دانان محیط زیستی در گزارشی تحت عنوان " طرح اقتصاد سبز " برای ارائه به دولت انگلستان ابداع شد. گزارش مذکور بدین منظور تهیه شد که اگر تعریف توافق شده ای از واژه " توسعه پایدار " و مفاهیم آن برای سنجش رشد اقتصادی و ارزیابی سیاستها و پروژه ها وجود داشت، توصیه هایی در این خصوص به دولت انگلستان ارائه نماید. در سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ به دنبال گزارش اول، گزارشهایی تحت عنوان طرح ۲ "سبز سازی اقتصاد جهان" و طرح ۳ "سنجش توسعه پایدار" ارائه شد. در سال ۲۰۰۸ اصطلاح اقتصاد سبز در جریان مناظرات برای یافتن سیاستی پاسخگو به بحرانهای گوناگون جهانی دوباره احیاء گردید.

سه مفهوم به هم مرتبط " اقتصاد سبز، رشد سبز و توسعه کم کربن "

در حالیکه مفهوم اقتصاد سبز اخیرا توجه جوامع بین المللی را جلب نموده است، سیاستهای اقتصاد سبز چندین دهه توسط اقتصاد دانان و دانشگاهیان بخصوص در زمینه اقتصاد محیط زیست و اقتصاد بوم شناختی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. ابزارهای سیاستی اقتصاد سبز در طول مذاکرات بین المللی از جمله کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت. برای نمونه بیانیه ریو مشتمل بر اصول به کار گیری ابزارهای اقتصادی و ترویج داخلی سازی هزینه های محیط زیستی (اصل ۱۶) و محدود سازی تولید و مصرف ناپایدار (اصل ۸) است.

ده سال بعد همچنین برنامه عمل ژوهانسبورگ لزوم تغییر شیوه تولید و مصرف جوامع را شناسایی و چارچوب برنامه های توسعه ۱۰ ساله برای تولید و مصرف پایدار را مطرح نمود.

اولین نشست تخصصی بین المللی در ژانویه ۲۰۰۳ (مراکش) و دومین نشست در سپتامبر ۲۰۰۵ (سن خوزه) بر نیاز به بهبود توسعه اجتماعی و اقتصادی با ظرفیت برد محیط زیستی، جداسازی رشد اقتصادی و تخریب محیط زیست از طریق ارتقا کارایی و بهره وری و پایداری در استفاده از منابع و فرایندهای تولید و کاهش تخریب منابع، آلودگی و پسماند تاکید کردند.

سال ۱۹۹۲ در کنفرانس ریو چارچوب کنوانسیون تغییرات آب و هوا تهیه شد که شامل مباحث طولانی در خصوص شیوه های بازار محور و تنظیم کننده اقتصادی بالقوه با توجه به تغییر آب و هوا از طریق توسعه کم کربن بود. در مذاکرات اخیر تحت کنوانسیون مذکور نسبت به این مسئله توافق شده است که اتخاذ اقدامات سیاستی مناسب برای توسعه کم کربن برای حصول به توسعه پایدار ضروری است.

در سال ۲۰۰۵، شعار تغییر رویکرد از " ابتدا رشد، سپس پالایش محیط زیست به رویکرد رشد سبز"، پیام کلیدی ششمین اجلاس وزیران در مورد محیط زیست و توسعه (MECD) بود. رشد سبز به توسعه و پیشرفت اقتصادی سازگار با محیط زیست و تولید اقتصادی مبتنی بر انتشار کمتر کربن و توسعه اجتماعی فراگیر اطلاق می‌شود. لازمه رشد سبز تدوین نقشه راه برای دستیابی به رشد اقتصادی و رفاه به همراه مصرف کمتر منابع و پسماند برای تولید غذا و توسعه حمل و نقل، ساختمان و مسکن و انرژی است. رشد سبز پیش شرط ساختن اقتصاد سبز است. مشخصه اقتصاد سبز افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیت‌های اقتصادی است که موجب ارتقای سرمایه‌های طبیعی زمین شده و سبب افزایش منابع بوم‌شناختی و کاهش خطرات محیط‌زیستی می‌شود. از مهمترین فعالیت‌های اقتصادی در این زمینه می‌توان به توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، حمل و نقل پاک، ایجاد سکونتگاه‌های صرفه‌جو در مصرف آب و انرژی، کشاورزی، جنگل‌داری و شیلات پایدار اشاره کرد.

سه مفهوم " اقتصاد سبز، رشد سبز و توسعه کم کربن" در سالهای اخیر توجه ویژه‌ای را در بطن تلاشهای سازمان یافته برای دستیابی به توسعه پایدار بدست آورده است.

یکی از محورهای اصلی کنفرانس ریو ۲۰+ در سال ۲۰۱۲ به اقتصاد سبز اختصاص داده شد و فصل سوم سند تصویب شده این کنفرانس موسوم به "آینده‌ای که می‌خواهیم" در مورد "اقتصاد سبز در زمینه توسعه پایدار و ریشه‌کنی فقر" است. در این فصل (ماده ۵۶-۷۴) بر اقتصاد سبز در زمینه توسعه پایدار و ریشه‌کنی فقر، بعنوان یکی از ابزارهای مهم در اختیار، جهت دستیابی به توسعه پایدار و تامین گزینه‌هایی برای سیاست‌گذاران، تاکید شده است. همچنین اقتصاد سبز بایستی با حفظ سلامت عملکرد اکوسیستم‌های زمین، به ریشه‌کنی فقر و همچنین رشد پایدار اقتصادی، ارتقای شمول اجتماعی، بهبود رفاه بشری و ایجاد فرصتهای اشتغال و کار مناسب برای همگان، کمک نماید.

حرکت به سوی اقتصاد سبز و پایدار نیازمند تغییر ساختار تولید، توزیع، مصرف و یافتن جایگزین‌های ابتکاری توسعه است در این تحول مهم همکاری و مشارکت تمام گروهها و نهادهای اجتماعی الزامی است.

اصول اقتصاد سبز

۱. اقتصاد سبز ابزاری برای دستیابی به توسعه پایدار است.
۲. اقتصاد سبز باید کار شایسته و مشاغل سبز را ایجاد نماید.
۳. اقتصاد سبز مشتمل بر کارایی منابع و انرژی است.
۴. اقتصاد سبز به مرزهای سیاره‌ای و محدودیت‌های زیست محیطی احترام می‌گذارد.
۵. اقتصاد سبز از تصمیم‌گیری یکپارچه استفاده می‌نماید.
۶. فرایند سنجش اقتصاد سبز فراتر از GDP با استفاده از شاخص‌ها و معیارهای مناسب است.
۷. اقتصاد سبز در بین کشورها و درون آنها و در بین نسل‌ها عادلانه و منصفانه است.
۸. اقتصاد سبز از تنوع زیستی و اکوسیستم‌ها محافظت می‌کند.
۹. اقتصاد سبز منجر به کاهش فقر، رفاه، معیشت، حمایت اجتماعی و دسترسی به خدمات ضروری می‌گردد.
۱۰. اقتصاد سبز حکمرانی و حاکمیت قانون را بهبود می‌بخشد. همچنین اقتصاد سبز فراگیر، دموکراتیک، مشارکتی، پاسخگو، شفاف

و با ثبات است.

۱۱. اقتصاد سبز جنبه های خارجی (از جمله هزینه های محیط زیستی و ...) را داخلی می سازد .

مشاغل سبز (Green Jobs)

وضعیت فعلی جهان مبین این مطلب است که مدل توسعه موجود نه تنها موجب ناپایداری محیط زیستی شده است بلکه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و اشتغال نیز نا کارآمد و ناپایدار است. بر اساس پیش بینی سازمان جهانی کار در صورتیکه تغییری در مدل توسعه فعلی ایجاد نشود، سطح بهره وری در سال ۲۰۵۰، ۷/۲٪ کمتر از شرایط موجود خواهد شد که این به مثابه تخریب بیشتر محیط زیست و از دست رفتن کارکرد اصلی اکوسیستم است. مدل توسعه موجود همچنین در مورد اشتغال نیز کارآمد نبوده و نتوانسته است فرصتهای کافی برای مشاغل شایسته ایجاد نماید و هزینه اجتماعی گزافی را با تخریب محیط زیست و از بین رفتن درآمد و مشاغل ناشی از استفاده بیش از حد از منابع طبیعی بدنبال داشته است

به غیر از مسایل زیست محیطی، بحران های مالی اخیر که گریبانگیر بسیاری از کشورهای دنیا شده است، تمرکز بر استفاده هرچه بیشتر از منابع زمینی و سوخت های فسیلی را یک نظام اقتصادی نا کارآمد معرفی نموده و به دنبال یافتن یک جایگزین مناسب برای آن می باشد. در همین راستاست که از سوی مجامع بین المللی از جمله برنامه محیط زیست توسعه پایدار ملل متحد (یونپ)، حرکت به سمت توسعه پایدار و تغییر به سمت **اقتصاد سبز** به عنوان یک تفکر جدید که همزمان هر دو هدف رشد اقتصادی و حفاظت محیط زیست را دنبال مینماید، مطرح گردیده است.

با این حال گذار به اقتصاد سبز ممکن نیست مگر آنکه ساز و کارهای آن اتخاذ گردد. طرح مشاغل سبز با ابتکار سازمان جهانی کار و یونپ، کانون این انتقال می باشد. **مشاغل سبز مشاغل شایسته ای هستند که اثرات مخرب زیست محیطی را کاهش می دهند و از حقوق و مزایای کافی، تامین اجتماعی، بهداشت و ایمنی برخوردارند.**

این مشاغل با کاهش مصرف انرژی و مواد خام، محدود کردن تولید گازهای گلخانه ای، به حداقل رساندن پسماند و آلودگی و حفاظت و احیا اکوسیستم، اثرات زیست محیطی را کاهش می دهند و در نهایت توسعه اقتصادی را از لحاظ محیط زیستی، اجتماعی و سیاسی، پایدار خواهند کرد.

اقدامات ویژه برای ایجاد و توسعه مشاغل سبز:

- ظرفیت سازی برای توسعه سرمایه گذاری ها و شرکتهای کوچک مقیاس و ایجاد و تقویت بازارهای سبز
- آموزش کارافرینی برای جوانان در کسب و کارهای سبز از جمله صنعت بازیافت، انرژی های نو، کشاورزی ارگانیک و ...
- افزایش دانش محیط زیستی تصمیم گیران و مدیران موسسات رسمی و غیر رسمی با تاکید بر بخشهای اقتصادی
- تقویت مکانیزم های گفتمان سازی اجتماعی در ارتباط با آموزش مشاغل سبز و بازده اقتصادی آنها افزایش ظرفیت آموزش و پرورش و موسسات و سازمان های فنی و حرفه ای به منظور بالا بردن مهارت های پایه نیروی کار (به طور مثال استرالیا با

قرار دادن برنامه آموزشی در سیستم فنی و حرفه ای و دانشکده ها توانسته است در سال ۲۰۰۹ ، ۵۰/۰۰۰ شغل سبز برای جوانان و بیکاران ایجاد کند.

تغییر در مهارت‌های نیروی کار برای سبز سازی اقتصاد

۱- تغییر فعالیتها در اقتصاد ، این سطح از انتقال در سطح صنعت رخ می دهد در جهت استفاده کارا تر از انرژی و کاهش الودگی که آن را باز سازی سبز می نامند

۲- تغییرات ساختاری که قوانین جدید و تکنولوژی های جدیدی را معرفی می کند و منجر به ایجاد مشاغل کاملاً جدید می شود (مانند تکنسین انرژی خورشیدی)

۳- سبز سازی مشاغل موجود

ظرفیت ایجاد این مشاغل در کشورهای در حال توسعه به مراتب بیشتر از کشورهای توسعه یافته می باشد زیرا این کشورها به دلیل وجود ظرفیتهای فراوان نیروی انسانی جوان و ساختارهای اقتصادی و صنعتی جوان در کشورهاشان با سرعت بیشتری می توانند سازگاری های عمیق و پایداری را در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشورهاشان به وجود بیاورند. در حال حاضر دهها میلیون شغل سبز ایجاد شده است به طور مثال در برزیل ۲/۹ میلیون شغل سبز (۶/۶٪ از اشتغال رسمی) در سال ۲۰۱۰ ثبت شده است. در ارتباط با زمینه ها و بخشهای مستعد ایجاد مشاغل سبز می توان به ۸ بخش کلیدی اشاره کرد: کشاورزی، جنگل، شیلات، انرژی، تولید، بازیافت، ساختمان و حمل و نقل.

به منظور کاهش اثرات محیط زیستی یکی از بخشهای کلیدی بخش ساخت و ساز می باشد که تلاش برای کارایی انرژی در این حوزه یکی از منابع مهم ایجاد شغل محسوب می شود. بررسی چشم انداز رشد مشاغل سبز در بخش های مختلف انرژی های تجدید پذیر می تواند بیش از ۱۲۵ هزار و ۲۶۵ شغل تا سال ۲۰۲۰ ایجاد کند چرا که امروز ۲۰ درصد از تولید انرژی اولیه از منابع تجدید پذیر است.

همچنین در سال ۲۰۲۰، تعداد شغل ها در فعالیت های خدماتی، فعالیت های صنعتی و ساخت و ساز و زیرساخت های مربوط به حمل و نقل پایدار می تواند تا ۴۰ درصد افزایش یافته و به ۷۷۰ هزار شغل افزایش یابد.

در بخش ساخت و ساز نیز می توان با بازسازی ۲۵ میلیون واحد مسکونی برای عایق کاری بهتر و بهبود استفاده از انرژی تا ۱ میلیون و ۳۷۰ هزار شغل ایجاد کرد. مدیریت زباله هم اکنون در اشتغال ۱۱۰ هزار کارگر نقش دارد و مطالعات نشان می دهد که این میزان می تواند تا سال ۲۰۱۶ به میزان ۲۷ هزار و ۸۵۰ شغل دیگر نیز بالغ شود.

بر اساس جدول زمانی تعیین شده توسط سازمان بین المللی کار تا پایان سال ۲۰۱۶ باید کشورها برنامه اجرایی کار شایسته خود را منطبق با قوانین و مقررات ملی و شاخص های تعریف شده عملی نمایند. همچنین با توجه به ماده ۲۵ اجرای قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است حداکثر تا پایان سال اول برنامه، سند

ملی کار شایسته را حسب مصوبات سازمان بین‌المللی کار و حقوق کار و حقوق کارگران و کارفرمایان در جهت تثبیت حقوق بنیادین کار و برای بهبود روابط کارگر و کارفرما به شکل سه‌جانبه و با مشارکت تشکلهای کارگری و کارفرمایی تنظیم نماید.

با توجه به اینکه اقتصاد سبز ارائه فرصت خوبی برای افزایش رقابت پذیری، ایجاد اشتغال با کیفیت و با کاهش اثرات زیست محیطی در اقتصاد است، همکاری و هماهنگی کلیه ذینفعان جهت اجرای مدل توسعه پایدار در کشور ضروری است. در همین راستا کمیته ملی توسعه پایدار اقدام به ایجاد کمیته اقتصاد سبز نموده است که اعضای این کمیته علاوه بر سازمان حفاظت محیط زیست، وزارتخانه های اقتصاد و دارایی و تعاون، رفاه و کارو امور اجتماعی را نیز شامل می شود. انتظار می رود با فعال شدن این کمیته همکاری مشترک بین سازمان حفاظت محیط زیست و وزارتخانه های مذکور افزایش یابد. همکاری با وزارت تعاون، رفاه و کارو امور اجتماعی جهت ترویج مشاغل سبز در جامعه و ایجاد بسترهای لازم در این حوزه ضروری است.

Reference:

A Guidebook to the Green Economy

Issue 1: Green Economy, Green Growth, and Low-Carbon Development

– history, definitions and a guide to recent publications

Issue 2: exploring green economy principles

Cameron Allen and Stuart Clouth, UN Division for Sustainable Development, August 2012